

هدف این نوشتار، بیان امکان و چیستی علم دینی از منظر حکمت متعالیه است و بدین منظور، ابتدا به سراغ اصول هستی‌شناسانه حکمت متعالیه می‌رویم تا چیستی انسان، دین و علم را در پرتو این اصول بیان کنیم. سپس، بر اساس این اصول، به مسئله اصلی که هویت، امکان و تحقق علم دینی است و به دنبال آن، به مسئله تعارض دین با علم تجربی می‌پردازیم.

بر مبنای اصالت وجود و تشکیک آن و بر اساس حرکت جوهری انسان در قوس صعود، انسان و علم او از یک طرف و جهان، قرآن و انسان کامل از طرف دیگر همگی اموری وجودی و دارای مراتب‌اند و شناخت علم یا دین وقتی درست حاصل می‌شود که انسان با حرکت کمالی خود از مرتبه جسم صعود کند تا بتواند مراتب بالاتر هستی، قرآن و انسان کامل را بشناسد. جمع‌بندی مقاله این است که علم دینی حاصل کار کسی است که با کمک قرآن، روایات و انسان کامل، هرچه بیشتر با نظام اسماء و صفات الهی آشنا شود و با عمل به علم خود، صبغه الهی پیدا کند و خلیفه خدا در زمین شود. از چنین انسانی، هر علم یا تکنولوژی که ظهور کند، علم و تکنولوژی دینی است.

■ واژگان کلیدی:

علم، دین، علم دینی، رابطه علم و دین، حکمت متعالیه

هویت علم دینی از نگاه حکمت متعالیه

حسن مرادی

استادیار دانشگاه شاهد

dr.moradi86@yahoo.com